

Conscious Consequences of a Revolutionary Movement

**(The study of universities advent during the cultural revolution of Iran;
Based on the Ettelaat Newspaper 1979-1985)**

Maryam Peyman^{*}, Seyed Abdolamir Nabavi^{}**

Soraya Ahmadi^{*}**

Abstract

The most important development in the history of Iranian universities after the Islamic revolution is called "Cultural Revolution". Most of the existing studies has reduced the it to an "event" and limited to four days of conflict in universities across the country, which led to the closure of various higher education centers. This study emphasizes that cultural revolution is rooted in the Iranian revolution, and it did not lead to the closure of universities and institutions established and founded in the galaxy of higher education in Iran during cultural revelation years. Which replied to the needs of the Iranian society and the ideas and aspirations of the revolutionaries.

In addition, previous studies emphasized on the establishment of Imam Sadiq and Tarbiat Modares universities in this duration but this study shows that more centers

* M. A. Student in Communications Department of Communications, College of Humanities, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, m.peiman@gmail.com

** Associate Professor Department of Regional Studies, University of Tehran, Iran, Visiting Professor at Department of communications, College of Humanities, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), s.a.nabavi@ut.ac.ir

*** Research Assistant Professor, Research Assistant Professor Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Department of Visiting Professor at Communications, College of humanities, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, soraya.ahmadi@gmail.com

Date received: 2023/01/27, Date of acceptance: 2023/06/29



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

were established and these new universities and institutes were a reflection to the society's demands and needs of higher education system.

This article has a historical approach and based on review of 31710 Ettelaat Newspaper pages (in 1745 issues) from 1 Feb 1979 to 1 Feb 1983. It introduces the centers that were established under supervision of headquarters of the Cultural Revolution to realize the model of Islamic University.

Keywords: Cultural Revolution, University, Higher Education, Iranian Revolution.

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی

مطالعه دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی ایران

براساس گزارش روزنامه اطلاعات (بهمن ۱۳۵۷ - بهمن ۱۳۶۳)

مریم پیمان*

سید عبدالامیر نبوی**، ثریا احمدی***

چکیده

مهم‌ترین تحول در تاریخ دانشگاه‌های ایران پس از انقلاب «انقلاب فرهنگی» است. اغلب مطالعات موجود انقلاب فرهنگی را به یک «واقعه» و محدود به چند روز درگیری در دانشگاه‌های سراسر کشور تقلیل می‌دهند که منجر به تعطیلی مراکز مختلف آموزش عالی شد. مطالعه حاضر تأکید می‌کند ریشه‌های انقلاب فرهنگی به زمان وقوع انقلاب ایران بازمی‌گردد و فقط به تعطیلی دانشگاه‌ها منجر نشد، بلکه به تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسساتی در کهنکشان آموزش عالی ایران منجر شد که برآمده از نیازهای جامعه ایران و ایده‌ها و آرزوهای انقلابیون بود. به علاوه، پژوهش‌های پیشین بر تأسیس دانشگاه‌های امام صادق و تربیت مدرس به عنوان دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی تأکید می‌کنند، اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد مراکز بیشتری مولود انقلاب فرهنگی ایران بوده است و این مراکز جدید بازتابی از خواسته‌ها و نیازهای جامعه از سیستم آموزش عالی و هم‌چنین ایده‌های حکومت درباره نظام

* گروه علوم ارتباطات، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، m.peiman@gmail.com

** عضو هیئت علمی گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران

شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، s.a.nabavi@ut.ac.ir

*** استادیار پژوهشی، جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران

شمال، تهران، ایران، soraya.ahmadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸



دانشگاهی است. مقاله حاضر با رویکرد تاریخی و بر اساس بازخوانی ۳۱۷۱۰ صفحه روزنامه اطلاعات (در قالب ۱۷۴۵ شماره) در بازه زمانی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۲ بهمن ۱۳۶۳ به بررسی، معرفی و توصیف مراکزی می‌پردازد که با تأیید ستاد انقلاب فرهنگی و برای تحقق الگوی علم اسلامی راه‌اندازی شدند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب فرهنگی، دانشگاه، آموزش عالی، انقلاب ایران.

۱. مقدمه

جایگاه و تاریخ آموزش عالی در ایران در پژوهش‌های بسیاری بررسی شده و درباره نقاط عطف آن مانند تأسیس دارالفنون، تأسیس دانشگاه تهران و روند ایجاد دانشگاه در شهرستان‌ها در پیش از انقلاب بحث شده است. تعداد قابل توجهی از این مطالعات به دوره پس از انقلاب نیز پرداخته‌اند و مهم‌ترین نقطه عطف سیستم آموزش عالی پساانقلابی را «انقلاب فرهنگی» خوانده‌اند؛ انقلابی در نظام آموزشی دانشگاه‌ها که قصد داشت شکل و محتوای دانشگاه‌های ایران را تغییر دهد. در واقع، امروزه ده‌ها متن مکتوب در قالب‌های گوناگون (کتاب، مقاله، پایان‌نامه، رساله، یادداشت، مصاحبه) در اختیار داریم که با نگاه‌های مختلف به بررسی و تحلیل ریشه‌ها، فرآیند و پیامدهای انقلاب فرهنگی پرداخته‌اند و تأثیر آن را بر حیات آموزش عالی ایران بررسی کرده‌اند.

با این حال، به‌رغم آن همه بررسی و تمرکز، به نظر می‌رسد این تحول مهم هنوز به‌صورت همه‌جانبه مطالعه نشده و به‌ویژه بیشتر یافته‌ها حاوی نوعی بی‌دقتی یا شتابزدگی است. برای نمونه، ادبیات پژوهشی موجود درباره انقلاب فرهنگی گاه ریشه‌های این رویداد را در پیام نوروزی امام خمینی در سال ۱۳۵۹ و درگیری‌های چهار روز منجر به تعطیلی دانشگاه‌ها جست‌وجو می‌کنند (به‌عنوان نمونه؛ طاهری‌کیا، ۱۳۹۵: ۱۷۷-۲۰۰)، اما با توجه به مستندات به‌نظر می‌رسد برای مطالعه ریشه‌های انقلاب فرهنگی لازم است دوره زمانی مطالعه را به عقب‌تر، یعنی زمان وقوع انقلاب اسلامی بازگرداند (شرف‌زاده، ۱۳۸۳: ۲۰-۲۳)، کم‌اینکه برای فهم پیامدهای آگاهانه و ناآگاهانه (خواسته/ناخواسته) آن، مطالعه را بایستی دست‌کم تا بهمن ۱۳۶۳ ادامه داد. از سوی دیگر، پژوهش‌های موجود بیشتر به ادغام و انحلال دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی به مثابه پیامد عامدانه انقلاب فرهنگی پرداخته‌اند، بماند آن‌که تک‌نگاری درباره دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی نیز جامع نبوده و صرفاً بر تأسیس دانشگاه‌های تربیت مدرس و امام صادق تأکید شده است.

حال، مطالعه حاضر قصد دارد با بازخوانی منابع موجود، روایتی دقیق‌تر از یک بخش این تحول مهم ارائه کند و نشان دهد در کنار انحلال و ادغام برخی دانشگاه‌ها نمی‌توان پیامد دیگر آن؛ یعنی تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌های جدید را ساده گرفت. به عبارت دیگر، این نخستین سازه‌های انقلاب فرهنگی به ادعای متولیان امر، «الگوهای دانشگاه اسلامی» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۳/۲۴) در «طرح نظام اسلامی دانشگاهی» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۳/۱) بوده‌اند و شامل دانشکده انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (ملی)؛ مدرسه علوم قضائی و تربیتی قم؛ دانشگاه‌های اهل سنت، امام صادق؛ علوم اسلامی رضوی (دانشگاه اسلامی مشهد)؛ تربیت مدرس؛ آزاد اسلامی؛ صنعتی امام محمد باقر؛ دانشگاه بین‌المللی اسلامی؛ و نیز ایده مبهم دانشگاه قدس می‌شدند. نکته مهم آنکه فارغ از مدارس عالی، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها و دانشسراهای تربیت معلم و انیستیتوهای متنوع و مراکز آموزشی زیر نظر دیگر نهادهای دولتی و حکومتی^۱، این دانشگاه‌ها و مؤسسات جدید در زیرمجموعه نظام آموزش عالی و زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی تعریف شدند. البته تأسیس دانشکده‌های جدید به‌ویژه پزشکی در دانشگاه‌های موجود (اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۳)، توسعه دانشگاه‌های بزرگ کشور ناشی از ادغام دانشکده‌ها و مدارس عالی پیش از انقلاب در آنها (اطلاعات، ۱۳۵۸/۴/۱۳ و ۱۳۵۸/۸/۱۴) و همچنین انحلال بسیاری از مراکز پژوهشی (اطلاعات، ۱۳۵۹/۵/۷) و تولد دوباره آنها در قامت مراکزی در نظام علم ایران نیز از دیگر تغییرات در نظام آموزش عالی پس از انقلاب ۵۷ بود.

بنابراین، تغییرات یادشده در کل و تأسیس نهادهای جدید به‌طور خاص گویای آن است که موج درگیری‌ها در سال ۱۳۵۸-۵۹ بار دیگر یک مسئله را پیش روی دانشگاه مطرح کرده بود؛ دانشگاه پس از انقلاب باید چگونه باشد؟ و علم انقلابی و اسلامی چه مختصاتی دارد؟ در واقع، این دو پرسش اساسی دانشگاه را در بهار ۱۳۵۹ با همان مسئله اسفند ۱۳۵۷ مواجه کرد. در پاسخ به این مسئله رهبران و فعالان انقلابی برای ساخت نمونه‌هایی از دانشگاه مطلوب خود تلاش کردند و مراکز متعددی را با هدف ترویج علم اسلامی^۲، تربیت مدیران انقلابی و پرورش دانشجویان به شیوه اسلامی بازنگری کردند. همزمان، نکته مهم دیگری وجود داشت که اثر مهمتری بر روند رویدادها برجای گذاشت و آن، نیازها و انتظارات عمومی از آموزش عالی بود. این مسئله در تاریخ‌نگاری انقلاب فرهنگی اغلب نادیده گرفته می‌شود و تقریباً همه مطالعات موجود صرفاً به اهداف «سیاسی» و «ایدئولوژیک» پیدایی دانشگاه‌های جدید نظر دارند، در حالی که اهمیتی کمتر ندارد. لذا ادعای مقاله حاضر آن است که

ترکیب هم‌زمان «انحلال / ادغام» و «تاسیس» این مراکز، روند تحولات آموزش عالی را در چهارچوب انقلاب فرهنگی پیش می‌برد.

برای این هدف، خوانش دقیق روزنامه اطلاعات و جمع‌آوری مضامین مرتبط با این سازه‌های جدید، به عنوان محصولات انقلاب فرهنگی و ایده‌آل‌های نظام دانشگاهی بعد از انقلاب اسلامی، صورت گرفته است. دلایل انتخاب روزنامه اطلاعات به عنوان منبع اصلی چنین بود: اول آنکه، این روزنامه در بازه زمانی مورد بررسی (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳) هیچ‌گونه تعطیلی یا وقفه در انتشار نداشته است. دوم آنکه، در کل و به خصوص در این بازه زمانی کمترین تغییر مدیریتی را تجربه کرده است؛ یک‌بار تغییر مدیریتی (انتخاب سید محمود دعایی به سرپرستی روزنامه اطلاعات در ۱۳۵۹/۲/۲۱) و در نتیجه وجود نوعی ثبات، برخلاف سایر روزنامه‌ها، سبب می‌شود محتوای آن کمترین تأثیر را از تنش‌های ناشی از چنین تغییری را داشته باشد که برای توضیح پدیده انقلاب فرهنگی که خود مقوله‌ای چندگانه و متأثر از حداقل پنج عنصر رهبری، دولت، قوه قضائیه، مجلس و ستاد انقلاب فرهنگی است، یک حسن تلقی می‌شود. سوم آنکه، علاوه بر حجم فراوان مطالب در قالب‌های گوناگون (سرمقاله، خبر، تصویر، گزارش، یادداشت و معرفی کتاب) در صفحات مختلف، تنها روزنامه‌ای است که در دو بازه ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱-۱۳۶۳ صفحه ثابتی به موضوع انقلاب فرهنگی و مباحث مرتبط با آن اختصاص داده است. در واقع، حجم مطالب چنان زیاد و متنوع است که به ناچار تمام صفحات روزنامه بایستی بررسی می‌شود. در این چارچوب، ۳۱۷۱۰ صفحه روزنامه اطلاعات (در قالب ۱۷۴۵ شماره) در بازه زمانی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۲ بهمن ۱۳۶۳ مطالعه و فیش‌برداری شد. البته در این روزنامه محتواهای متکثر و متعدد بسیاری وجود دارد که به دلیل نبود نرم‌افزارهای جست‌وجو به صورت دستی بررسی شده‌اند.

۲. زمینه‌های ظهور دانشگاه‌های نوین

چنان‌که می‌دانیم، در ۱۴ بهمن ۱۳۵۷؛ یعنی تنها دو روز بعد از ورود امام خمینی (س) به ایران، مسئول تصمیم‌گیری درباره مدیریت دانشگاه‌ها بر عهده «شورای نمایندگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران عضو سازمان ملی دانشگاهیان ایران» معرفی می‌شود (اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۱۴). امام خمینی (س) هرچند پس از اعتصابات سراسری^۳ بازگشایی دانشگاه‌ها را ضروری دانست، اما در دیداری با دانشگاهیان اختیار زمان بازگشایی دانشگاه‌ها را به خودشان واگذار کرد (اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۱/۲۸). علی شریعتمداری، وزیر علوم و فرهنگ و

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۶۳

هنر دولت موقت، نیز اشخاص تشکیل دهنده «رکن اساسی دانشگاه‌ها» را برای اداره دانشگاه صاحب صلاحیت می‌داند که بعد از تهیه لایحه نهایی استقلال دانشگاه‌ها «مستقیماً» و با «تأیید آنها» هیئت دولت تنها «برای پیدا کردن جنبه قانونی» مداخله خواهد کرد (اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۷). با این حال، شورای انقلاب در ۱۳ اسفند همان سال انحلال هیئت امنای تمامی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی را اعلام می‌کند و سرپرستان جدیدی برای دانشگاه‌ها انتخاب می‌شود (اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۱۴). بدین ترتیب، آغاز دوباره کار دانشگاه‌ها بعد از انقلاب با مدیریت شورای انقلاب و دولت رقم می‌خورد و «از اسفند ۵۷ و در طول سال ۵۸ دانشگاه‌ها به صورت شورایی اداره» می‌شود (فرستخواه، ۱۳۸۸: ۵۲۵). تداوم تحولات در سال ۱۳۵۸ به انقلاب فرهنگی در بهار ۱۳۵۹ می‌انجامد و دانشگاه‌ها تعطیل و تأکید می‌شود «تا تدوین طرح آموزش اسلامی باید تعطیل بمانند» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۳/۲۶).

در خلال این تحولات، بحث‌های مهمی در میان گروه‌ها و فعالان سیاسی و فرهنگی در جریان است که اتفاقاً در تعیین سمت‌وسوی رویدادهای بعدی مؤثر است؛ بحث‌هایی که ذهنیت‌ها، انتقادات و انتظارات از نهادهای آموزش عالی را نشان می‌دهد و جالب آنکه بخش مهمی از آنها سویه سیاسی و ایدئولوژیک ندارد.

یکی از نخستین یادداشت‌ها مربوط به ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ است بدون آنکه در آن حرفی از انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها به میان آید:

چون عده زیادی از بهترین فارغ‌التحصیلان داخل و خارج از کشور هم‌اکنون بیکار هستند و با آمدن عده بیشتری از آنها از خارج از کشور هر روز بر تعداد این عده افزوده می‌شود و طبعاً نارضایتی ناشی از بیکاری هم هر روز بیشتر می‌گردد و از طرفی دانشگاه‌ها و مدارس عالی موجود در کشور نمی‌توانند تکافوی داوطلبان و مشتاقان تحصیلات عالی را بنمایند، بهتر است که به افرادی که دارای صلاحیت علمی هستند اجازه تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌های خصوصی در رشته‌های مختلف از جمله رشته‌های مربوط به تربیت دبیر و استاد داده شود برای این که این نوع مؤسسات از نظر هزینه باری بر دوش بودجه دولت نباشند (اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۳).

در ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ هم «دعوت برای تأسیس دانشگاه آزادگان» (اطلاعات، ۱۳۵۸/۵/۱۷)

منتشر می‌شود:

در جهت تحکیم انقلاب و سازندگی جامعه اینک که صدها هزار نفر از جوانان و سایر مشتاقان دانشگاه راه نمی‌یابند به منظور تربیت افراد متخصص مورد نیاز کشور در نظر گرفته شد دانشگاهی در دو نوبت صبح و عصر به تدریج با توجه به مقدرات موجود با دوره‌های فوق‌دیپلم لیسانس فوق‌لیسانس در رشته‌های علوم تجربی - علوم اجتماعی - علوم تربیتی - علوم انسانی و ادبیات - علوم و فنون کشاورزی و نیز دوره‌های کوتاه مدت برای رفع احتیاجات فعلی مملکت در رشته‌های مددکاری اجتماعی - خدمات شهری - خدمات اداری - خدمات روستائی - روستا معلم و ... تأسیس نمائیم.

یک‌ماه بعد در یادداشتی با عنوان «برای جذب کنکورزده‌ها دانشگاه بسازید» آمده است:

می‌دانیم که امسال در برابر ۵۵۰ هزار نفر داوطلب آموزش عالی، دانشگاه‌ها فقط ظرفیت پذیرش ۳۰ هزار دانشجو را دارند. مسأله مهم این است که تکلیف ۵۲۰ هزار نفر دیگر که با درهای بسته روبرو خواهند شد چیست؟ و اصولاً چرا امسال داوطلب آموزش عالی به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است؟ در مورد اخیر به اعتقاد من دلیل عمده این امر، تأثیر معنوی انقلاب بزرگ اسلامی ماست که جوان‌ها به «شدن خویش»، بیش از پیش اهمیت می‌دهند و برخلاف برخی از مسئولان امور، تصور نمی‌کنم که لزوماً دلیل این افزایش، مدرک‌گرایی باشد (اطلاعات، ۱۳۵۸/۶/۱۸).

چنین مطالبی نشان می‌دهد که تأسیس دانشگاه‌های نوین بعد از انقلاب فرهنگی تنها ناشی از خواست حاکمیت و انقلابیون برای شکل‌گیری دانشگاهی بر اساس مدل مطلوب اسلامی نبوده است، بلکه می‌توان این دانشگاه‌ها را تا حدودی ناشی از نیاز جامعه برای پاسخ به داوطلبان ورود به دانشگاه، اشتغال‌آفرینی برای فارغ‌التحصیلان و دیگر مطالبات مردم از دانشگاه انقلابی نیز دانست. از سوی دیگر، اقلیت‌ها و گروه‌های نادیده جامعه هم از نظام علمی جدید مختصات ویژه خود را طلب می‌کردند؛ مذاکره دربارهٔ ایجاد دانشگاه‌های اهل سنت (اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۸)، دانشگاه‌هایی که زبان‌های محلی را تدریس کنند (اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۶) و دانشگاه‌هایی که در مناطق محروم موجب رونق منطقه شوند (اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۱۲) از مصادیق مطالبات مردمی از نظام آموزش عالی در سال ۱۳۵۸ بود.

۱.۲ تلاش‌های نخستین

با تصویب لایحهٔ ادغام دانشگاه‌ها در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ این مؤسسات از پذیرش دانشجو بازداشته شدند (اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۸) و سپس به‌صورت مشروط توانستند دانشجو

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۶۵

پذیرش کنند (اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۱/۲۹). همزمان، مطالبه اصلی دانشجویان انقلابی پاکسازی، تغییر محتوای دروس و تدریس دروسی متناسب با مفاهیم انقلابی و «تجدید ساختار دانشگاه‌ها براساس سنت حوزه‌های علمیه» و «ترکیب تخصص با تعهد» (Mojab, 1991: 217) بود. به این ترتیب، باید توسعه و ایجاد دانشگاه‌های مورد تأیید جمهوری اسلامی ایران زودتر در برنامه کاری قرار می‌گرفت تا به مطالبات پاسخ داده می‌شد. با این حال، دانشجویان انقلابی گوی سبقت را از دولت ربودند و خود دست به کار شدند.

با این‌که غلام‌عباس توسلی، رئیس دانشگاه اصفهان، خبر از «تأسیس دانشکده حقوق اسلامی» با رشته‌های «حقوق اسلامی، ایدئولوژی و معارف اسلامی، جامعه‌شناسی و سیاست و حکومت در اسلام» داده بود (اطلاعات، ۱۳۵۸/۵/۲۱) نخستین اقدام را دانشجویان دانشگاه ملی در ۲۳ اسفند ۱۳۵۸ سامان دادند. آنان «با در اختیار گرفتن قسمتی از دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی این دانشگاه، موجودیت دانشکده انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی را اعلام کردند». دانشجویان «پیشگام» این اقدام را «توطئه‌ای علیه جنبش دانشجویی» معرفی کردند، اما انجمن اسلامی اعلام کرد: «این عمل را با مشورت عده‌ای از جمله حوزه علمیه قم انجام داده است» (اطلاعات، ۱۳۵۸/۱۲/۲۶). در سالگرد تأسیس این دانشکده هم شورای دانشکده انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

۲۱ اسفند سالگرد تأسیس دانشکده انقلاب اسلامی است. دانشکده‌ای که دستاورد هجرت دانشجویان مسلمان دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه ملی است. هجرتی که جو تهی از تقوی و علم دانشکده بر آنان تحمیل نموده بود. و آنگاه با توکل به الله حرکت خویش را آغاز نمودند تا بتوانند دانشکده‌ای را پایه‌ریزی نمایند که در آن ارزش‌های اصیل اسلامی حاکم باشد (اطلاعات، ۱۳۵۹/۱۲/۲۳).

۳. سازه‌های آگاهانه انقلاب فرهنگی^۴

در سال ۱۳۵۷، بنا به اعلام رسمی «حدود ۲۲۰ دانشگاه»، ۱۷۵ هزار نفر دانشجو را پذیرش کرده بودند (بذرافشان، ۱۳۹۱). البته در فضای انقلابی حاکم بر کشور، دانشگاه‌ها به محلی برای رقابت جریان‌های سیاسی تبدیل شده بود. به تدریج ساختارها و مراکزی جدید در جامعه دانشگاهی پدید آمد که به ترتیب تاریخ طرح در روزنامه‌اطلاعات آورده می‌شود.

۱.۳ مدرسه عالی علوم قضایی و تربیتی قم

این مدرسه، نخستین مؤسسه عالی تأسیس شده بعد از انقلاب اسلامی است و شاید دلیل تأسیس آن را بتوان در نخستین نیاز جامعه انقلابی یافت؛ چه آنکه بر اساس مطالبات بهمن و اسفند ۱۳۵۷ قضاوت درباره سران و مدیران نظام پیش از انقلاب و مجازات آنان از اولویت‌های جامعه می‌شود. از این رو، سیستم جدید باید افراد با صلاحیت و مورد تأیید خود را به سراسر کشور معرفی می‌کرد. نخستین نشان از تأسیس چنین مرکزی در مصوبه ۲۹ دی ۱۳۵۸ شورای انقلاب دیده می‌شود (وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس) و اندکی بعد در خبری می‌خوانیم:

به علت نیاز مبرم به قضات شایسته طبق تصویب شورای انقلاب مدرسه عالی قضائی تربیتی توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در این شهر تأسیس می‌شود تا با استفاده از تحصیلات پرمایه و آزاد طلاب افراد واجد شرایط طبق برنامه و شرایط مقرر با سمت قاضی در قوه قضائیه شرکت کنند (اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۱۸).

فعالیت این مدرسه غیرانتفاعی که در ۱۳۶۳/۱۱/۱۸ به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید (وبسایت شورای عالی انقلاب فرهنگی)، «به عنوان یکی از مؤسسات آموزش عالی رسمی زیر نظر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» فعالیت می‌کرد (روزنامه رسمی، ۱۳۶۵/۱۰/۱۵)، از میان دارندگان دیپلم در آزمونی اختصاصی دانشجویی پذیرفت (اطلاعات، ۵ و ۱۳۶۳/۹/۲۲) و ابتدا مهدی قاضی از سوی آیت‌الله بهشتی متولی اداره آن شد.

رفته‌رفته با افزایش حجم دانشجویان، اساتید و کارمندان مدرسه عالی قضایی و تنوع رشته‌های آموزشی، پیگیری برای تبدیل وضع مدرسه عالی قضایی به یک دانشگاه دولتی آغاز شد و در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۳۱ با تصویب شورای گسترش آموزش عالی مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب به دانشگاه قم تغییر وضعیت داد (سایت دانشگاه قم).

گفتنی است که در همان زمان نامی مشابه؛ یعنی دانشکده علوم قضایی؛ نیز مطرح شده بود که در سال ۱۳۶۱ و با پذیرش اولین دوره دانشجویی در رشته علوم قضایی تأسیس گردید. مصوبه تأسیس این دانشکده به سال ۱۳۵۶ برمی‌گشت (سایت دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری) و بعد از انقلاب با «تأکید شهید بهشتی»، با توجه به نیاز دادگستری به کادر برای «پیاده شدن احکام اسلام در تمامی زمینه‌های اجتماعی و استقرار عدل اسلامی در جامعه» و به ریاست نجفقلی حبیبی تأسیس شد (اطلاعات، ۱۳۶۱/۴/۱). هر چند ساختمان آن ابتدا در دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود، اما زیر نظر شورای عالی قضایی با آزمونی اختصاصی

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۶۷

دانشجو می پذیرفت (اطلاعات، ۱۳۶۳/۲/۲۹ و ۱۳۶۳/۴/۱۹). از آن جایی که این دانشکده زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار نداشت، بیش از این بدان نمی پردازیم.

۲.۳ دانشگاه اهل سنت

سخن از ایجاد دانشگاهی برای اهل سنت با عنوان «دانشگاه اسلامی» در سیستان و بلوچستان یا کردستان نخستین بار در اواخر اردیبهشت ۱۳۵۹ مطرح شد:

امام با تأسیس دانشگاه اسلامی در سیستان و بلوچستان یا کردستان موافقت کردند. حضرت آیت الله منتظری در پایان این دیدار... گفت: در این ملاقات پیشنهاد تأسیس یک دانشگاه اسلامی در مناطق سیستان و بلوچستان یا کردستان که بیشتر برادران اهل سنت در آنجا زندگی می کنند مطرح شد تا در این دانشگاه فقه بر مبنای پنج مذهب که عبارت از مذاهب اربعه اهل سنت و نیز مذهب جعفری اثنی عشری است تدریس شود... که پیشنهاد مورد تأیید امام امت قرار گرفت (اطلاعات، ۱۳۵۹/۲/۲۸).

گفتنی است که در اوایل انقلاب چند مدرسه علمیه اهل سنت در مناطق گنبد و کردستان راه اندازی شد، اما تأسیس دانشگاه موضوعی جدید بود. در همین چارچوب، خبری درباره ایجاد «یک دانشگاه اسلامی در کردستان» با «همکاری حوزه علمیه قم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و برادران روحانی اهل تسنن» با هدف «پاسداری از جمهوری اسلامی ایران» درج شد (اطلاعات، ۱۳۶۱/۱/۱۵). حدود دو سال بعد، نماینده مردم ترکمن صحرا در ستاد انقلاب فرهنگی مطرح کرد:

امام امت قبلاً در مورد تأسیس این دانشگاه (دانشگاه علوم اسلامی اهل سنت) دستوراتی به ستاد انقلاب فرهنگی صادر فرموده بودند و اخیراً نیز در این رابطه تأکید کردند که هر چه زودتر این دانشگاه در یکی از مناطق کردستان، بلوچستان یا ترکمن صحرا ایجاد شود (اطلاعات، ۱۳۶۳/۷/۲۳).

در ادامه، «ستاد فرهنگی طی ۳ روز جلسات متعدد با اعضای کمیته ستاد متن پیش نویس و اساسنامه دانشگاه را... تنظیم نمود که پس از بررسی مقدماتی به تصویب کمیته منتخب ستاد انقلاب فرهنگی رسید». اندکی بعد، روحانیون گنبد و ترکمن صحرا «در آستانه فرارسیدن هفته وحدت» قطع نامه ای صادر کردند و طی آن «تأسیس یک شعبه از دانشگاه اسلامی در منطقه گنبد کاوس» را تقاضا کردند (اطلاعات، ۱۳۶۳/۹/۱۵). به نظر می رسد در ادامه این روند

بالاخره در سال ۱۳۷۳ به همت «جمعی از دانشوران حوزه علمیه قم» آموزش آکادمیک مذاهب اسلامی (مذاهب کلامی) در دوره‌ای چهار ساله به ثمر رسید (سایت دانشگاه ادیان و مذاهب). البته دانشگاه مذاهب اسلامی نیز با همین رویکرد در سال ۱۳۷۱ تأسیس شده است و شعبه‌های آن در سنج، بندرعباس، زاهدان و گنبد کاووس در حال فعالیت هستند.

۳.۳ دانشگاه امام صادق / جامعه الامام الصادق

براساس تاریخچه رسمی دانشگاه امام صادق، این دانشگاه «در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی (۱۹۸۳ میلادی و ۱۴۰۲ هجری قمری) در تهران تأسیس شد» (سایت دانشگاه امام صادق). در خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی نیز می‌خوانیم:

دو سه سال بعد از انقلاب که تا اندازه‌ای بحران‌ها کاسته شد و گرفتاری‌های ما نیز کمتر شد، دوستان به فکر افتادند که این ایده‌ای که قبل از انقلاب داشتیم عملی شود، لذا هیات موسس و هیات‌امنایی برای جامعه تشکیل شد (خواجه‌سروی، ۱۳۸۵: ۳۹۵).

در کتاب *شصت سال آموزش عالی، تحقیقات و فناوری در ایران* نیز آمده است: «دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در سال ۱۳۶۱ شمسی مقارن با سالروز ولادت حضرت محمد مصطفی (ص) و امام صادق (ع) به ریاست حضرت آیت‌الله مهدوی کنی تشکیل شد» (انتظاری، ۱۳۸۸). تازه‌ترین پژوهش به کوشش مهدی اسدی (اسدی، ۱۴۰۰: ۸۵) نیز بهمن ۱۳۶۱ را زمان تأسیس این دانشگاه معرفی کرده است. با این حال، بر اساس مطالعه حاضر مشخص می‌شود نخستین‌بار در تیرماه ۱۳۵۹ و به مناسبت جشن‌های میلاد امام زمان نام این دانشگاه ذیل عنوان «دانشگاه اسلامی» آمده است: «آیت‌الله منتظری در جشنی که از سوی هیئت قائمیه تهران برگزار شده بود نخستین کلنگ دانشگاه اسلامی جامع الامام الصادق را به زمین زدند» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۸). در ادامه گفته شده بود این دانشگاه که «مستقل از دانشگاه‌های دیگر خواهد بود به سرپرستی آیت‌الله منتظری و کادر برگزیده ایشان مشغول کار خواهد شد» و هدف از تأسیس آن، توسعه زبان‌های بین‌المللی در میان استادان و مدرسین حوزه‌های علمیه به منظور گسترش تبلیغ دین اسلام و ویژگی‌های فرهنگ اسلامی در سطح جهانی؛ تبلیغ گسترده مذهب تشیع در تمامی جهان با سایر دانشگاه‌ها؛ تبلیغ گسترده مذهب تشیع در تمامی جهان با استفاده از نظام روابط عمومی؛ و ایجاد گروه تحقیقی علوم جعفری است.

هرچند تأسیس هر دانشگاهی نیاز به پیش‌زمینه قانونی دارد، به نظر می‌رسد در شرایط انقلابی و پرتنش آن زمان امکانی برای این امر مهیا نشد و در نتیجه، تأسیس این دانشگاه با پذیرش دانشجو در سال ۱۳۶۱ هم‌زمان تلقی شده است. نکته دیگر درباره این دانشگاه، استفاده مکرر از لفظ «دانشگاه اسلامی» است، از جمله در جریان اختلاف و درگیری با شهرداری بر سر یک قطعه زمین، از این عبارت استفاده شده است (اطلاعات، ۱۳۵۹/۴/۲۹). به این ترتیب، می‌توان اولین مصداق عینی دانشگاه اسلامی را در شهر تهران دانشگاه امام صادق معرفی کرد، چنان‌که به گفته آیت‌الله مهدوی‌کنی: «در پی پیشنهاد آیت‌الله منتظری مبنی بر تأسیس یک دانشگاه اسلامی تحت نام جامعه امام صادق و پس از تنظیم اساسنامه و تعیین هیئت امناء... با اعضای هیئت و گروهی از مدرسین حوزه علمیه قم به حضور ایشان رسیدیم تا در مورد تعیین هیئت علمی برای برنامه‌ریزی آموزشی این مجتمع مذاکره کنیم». بر اساس این گزارش، داوطلبان دیپلمه و لیسانس «دارای صلاحیت‌های اخلاقی و استعداد» از طریق برگزاری کنکور پذیرش شده و «پس از گذراندن یک دوره شش‌ساله» فوق‌لیسانس دریافت می‌کنند. اشتغال این فارغ‌التحصیلان نیز به عنوان «مربی، محقق و مبلغ در دانشگاه‌ها و مؤسسات گوناگون» و همچنین «برای سفارتخانه‌ها و اعزام به خارج از کشور» بیان شده و برنامه آموزشی دانشگاه یک دوره چهار ساله معلومات عمومی، دینی، ادبی و یک دوره دو ساله تخصصی در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد و تربیت مبلغ معرفی می‌شود (اطلاعات، ۱۳۶۰/۱۲/۲۴).

نخستین اطلاعیه‌های گزینش دانشجوی دانشگاه در ۱۱ شهریور ۱۳۶۱ منتشر می‌شود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۶/۱۱) و در آن «جهاد مقدس انسان‌سازی»، «ترویج حقایق سازنده اسلام در سطح جهان» و برآورده کردن «نیاز جمهوری اسلامی در داخل و خارج از نظر نیروهای مسئول آشنا به معارف اسلامی و کاردان» به عنوان اهداف و برنامه‌های دانشگاه معرفی و برنامه این مؤسسه یک دوره هفت ساله (چهار سال دوره عمومی و سه سال دوره تخصصی در رشته‌های اقتصاد اسلامی، حقوق سیاسی اسلام و تبلیغ و ارشاد اسلامی) ذکر شده است. آزمون ورودی نیز در ۱۶ مهر به صورت اختصاصی برگزار می‌شود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۸).

جالب آنکه دانشگاه در ابتدا قصد نداشت محدود به حوزه علوم انسانی بماند و بر مبنای یک اطلاعیه، دانشکده علوم این دانشگاه قصد داشت دوره ریاضی تشکیل دهد تا ۵۰ دانشجو دوره‌های چهار ساله را بگذرانند و با اخذ لیسانس فارغ‌التحصیل شوند. «اصول اعتقادات اسلامی، احکام اسلام، تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی، معلومات عمومی، زبان عربی و انگلیسی در حدود دیپلم ریاضی، زبان و ادبیات فارسی در حدود دیپلم ریاضی، مواد ریاضی در حدود

دیپلم ریاضی و شیمی در حدود دیپلم ریاضی» مواد امتحانی این دانشکده بودند (اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۴). هر چند آزمون برگزار شد و دانشجویانی نیز قبول شدند، اما این دوره برگزار نگردید.

سرانجام دانشگاه امام صادق در ۱۳ دی ۱۳۶۱ با پیام آیت‌الله منتظری افتتاح شد و آیت‌الله مهدوی‌کنی در مراسم افتتاح اعلام کرد که ۲۵۰ دانشجو از بین ۵۳۰۰ داوطلب انتخاب شده‌اند، از اوائل بهمن ماه شروع به تحصیل می‌کنند و علاوه بر زبان عربی یکی از زبان‌های اردو، انگلیسی و فرانسه را آموزش می‌بینند. نهایتاً «وضعیت قانونی دانشگاه» با انتشار اطلاعیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی در ۱۰ شهریور ۱۳۶۳ روشن و اعلام شد که دانشگاه با مصوبه ستاد انقلاب فرهنگی و موافقت این وزارتخانه برنامه توسعه خود را براساس نظر ستاد را دنبال می‌کند (اطلاعات، ۱۳۶۳/۶/۱۰). مهدوی‌کنی نیز در گفت‌وگویی برنامه دانشگاه را به توسعه در «شهرهای دیگر» و پذیرش دو هزار دانشجو معرفی کرده است (اطلاعات، ۱۳۶۳/۷/۲۲)، اگرچه پیش از آن در مشهد کلنگ احداث مجتمع فرهنگی و ساختمان این دانشگاه در اسفند ۱۳۶۲ به زمین زده شده بود (اطلاعات، ۱۳۶۲/۱۲/۲۷).

۴.۳ دانشگاه علوم اسلامی رضوی

تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی به سال ۱۳۶۳ و «همت» آیت‌الله واعظ طبسی برمی‌گردد (سایت دانشگاه علوم اسلامی رضوی). با این حال، نخستین خبر مربوط به این واحد آموزش عالی مربوط به بازدید رئیس مجلس شورای اسلامی از «ساختمان نیمه‌تمام دانشگاه اسلامی مشهد» در سال ۱۳۵۹ است (اطلاعات، ۱۳۵۹/۶/۳۱) که با بازدید نماینده امام در اوقاف، رئیس صدا و سیما (اطلاعات، ۱۳۶۰/۹/۱۶) و وزیر فرهنگ و آموزش عالی (اطلاعات، ۱۳۶۰/۹/۱۰) ادامه می‌یابد. البته طبسی اعلام می‌کند که «رهبر انقلاب اسلامی خط مشی دانشگاه بزرگ اسلامی مشهد را ترسیم کردند» (اطلاعات، ۱۳۵۹/۱۰/۹) و دانشگاه بزرگ اسلامی مشهد «از محل اعتبارات اهدائی آستان قدس رضوی ساخته می‌شود» و قرار است «به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی در نشر معارف اسلامی نقش ارزنده خود را ایفا کند» (اطلاعات، ۱۳۶۰/۹/۱۶).

در دی ماه ۱۳۶۲ واعظ طبسی، وعده می‌دهد دانشگاه علوم اسلامی «تا مهرماه آینده مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت»؛ دانشگاهی که «جدا از حوزه‌های علمیه» نیست و تأکید می‌شود دانشجویان خود را از «حوزه‌ها» خواهد پذیرفت (اطلاعات، ۱۳۶۲/۱۰/۱۷).

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۷۱

چند ماه بعد اعلام می‌شود این دانشگاه «با ظرفیت ۲۰۰۰ دانشجوی روز ۱۸ مرداد ماه سال جاری (۱۳۶۳) مصادف با میلاد حضرت امام رضا (ع) همراه با برگزاری کنگره حضرت رضا (ع) آغاز به کار» (اطلاعات، ۱۳۶۳/۳/۱۳) خواهد کرد.

در فرم پذیرش دانشجوی روز ۱۹ خرداد ۱۳۶۳ به عنوان زمان «افتتاح دانشگاه علوم اسلامی رضوی» اعلام و گفته می‌شود «برای تربیت فقیه، محقق، مدرس، مبلغ و اسلام‌شناسانی متقی»، دانشگاه ۱۲۰ دانشجوی پسر را برای سال تحصیلی ۱۳۶۳ خواهد پذیرفت. همچنین برنامه دانشگاه دوره‌ای ۵ ساله اعلام می‌گردد (اطلاعات، ۱۳۶۳/۳/۱۹). به هر صورت، نخستین آزمون ورودی در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۳ برگزار و اسامی پذیرفته‌شدگان روز ۱۶ مرداد ماه ۱۳۶۳ اعلام شد. جالب آنکه چند روز قبل از اعلام اسامی، خبر توسعه پذیرش به «۶۰۰ نفر» و «تدریس دروس حوزه نظیر تفسیر، نهج‌البلاغه، تاریخ اسلام و هیأت و نجوم» منتشر می‌شود و نیز اعلام می‌شود فارغ‌التحصیلان مدرک فوق‌لیسانس دریافت خواهند کرد (اطلاعات، ۱۳۶۳/۵/۴).

در همین دوره زمانی یعنی مردادماه ۱۳۶۳ خبری از «اولین کلنگ بنای ساختمان دانشگاه علوم اسلامی قوچان» نیز منتشر شده است. در این مراسم تولیت آستان قدس کلنگ دانشگاه را به زمین می‌زند و اعلام می‌شود این دانشگاه برای تأمین «نیروهای فکری و فرهنگی» یعنی «نیروهایی که بتوانند اسلام و مسائل اسلامی را در ابعاد گوناگون بشناسند و با شناخت کافی اهداف و مقررات اسلامی را در حوزه مسئولیتشان پیاده کنند» احداث می‌شود (اطلاعات، ۱۳۶۳/۵/۲۴).

۵.۳ دانشگاه تربیت مدرس

چنان‌که پیشتر گفته شد، یکی از مطالبات عمومی در اوایل انقلاب ایجاد «رشته‌های مربوط به تربیت دبیر و استاد» بود (اطلاعات، ۱۳۵۸/۲/۲۳). با توجه به وقوع انقلاب و روند مهاجرت، تبعید، پاکسازی و تصفیه استادان، این نیاز روز به روز بیشتر در آگهی‌های فراخوان استخدام هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف کشور دیده می‌شد. از این‌رو، ایده تأسیس مرکزی برای تربیت استادان دانشگاه پدید آمد و بالاخره مدرسه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۰ بنیان‌گذاری و اساس‌نامه موقت آن هم در ۱۷ اسفند همین سال تصویب شد (فهرست مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی).

وزارت فرهنگ و آموزش عالی با انتشار اطلاعیه‌ای یک‌ونیم صفحه‌ای در روزنامه اطلاعات اعلام کرد این مدرسه با هدف «تربیت مدرس برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی»

راه اندازی می شود، گزینش دانشجو شش ماه یک بار صورت می گیرد و در «دوره اول و دوم درصدی از تعداد مورد نیاز برای هر رشته در اختیار نهادهای انقلابی قرار می گیرد و شامل کسانی خواهد شد که حداقل یک سال در شرایط رضایت بخش در یکی از نهادهای انقلاب اسلامی خدمت کرده باشند». همچنین گفته شده بود که مدت دوره سه ساله است و فارغ التحصیلان آن پس از اتمام دوره در دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس خواهند پرداخت. در این اطلاعیه، نام ۷۷ رشته مانند پزشکی، پرستاری، داروسازی، ویروس شناسی، کشاورزی، علوم پایه و فنی ذکر شده بود (اطلاعات، ۱۳۶۰/۱۲/۲۷). اندکی بعد اعلام شد امتحان ورودی طی دو مرحله در ۳۱ خرداد ۱۳۶۱ در دانشگاه ملی ایران برگزار می شود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۳/۲۶)، اما برگزاری آزمون ۱۳ رشته علوم انسانی ۲۲ مرداد «در مدرسه عالی بازرگانی سابق» صورت گرفت. همچنین شرط پذیرش دانشجویان «تعهد و تخصص» خوانده (اطلاعات، ۱۳۶۱/۵/۲۳) و محل دانشگاه نیز در «دانشگاه ملی» (اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۵) اعلام شده بود.

جالب آنکه در اطلاعیه دیگری درباره نتایج نخستین آزمون ورودی رشته های مختلف پزشکی، فنی و مهندسی، علوم پایه و کشاورزی آمده است:

برحسب معیارهای علمی تعیین شده توسط ستاد انقلاب فرهنگی متأسفانه در هیچ یک از [این] رشته ها تعداد کافی پذیرفته شده برای تشکیل کلاس حائز نگردید... بر اساس تصمیم ستاد انقلاب فرهنگی داوطلبانی که واجد صلاحیت علمی و اخلاقی بوده اند، لیکن تعداد آنها برای تشکیل کلاس کافی نبوده است، قبول تلقی می شوند. زمان تشکیل کلاس های آنها با پذیرفته شدگان دوره آینده تربیت مدرس یعنی احتمالاً در نیمه دوم سال تحصیلی ۶۱-۶۲ خواهد بود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۵).

گروه علوم انسانی هم همین وضعیت را داشت و

در هیچ یک از رشته ها تعداد کافی پذیرفته شده برای دائر شدن دوره حائز نگردید. از طرفی، نظر به اهمیت شروع اولین دوره علوم انسانی مدرسه، ستاد انقلاب فرهنگی در نظر دارد بر معیار صلاحیت های عمومی و همچنین معدل لیسانس و مصاحبه تعدادی را بپذیرد. لذا از میان شرکت کنندگان در آزمون کسانی که واجد شرایط فوق باشند انتخاب و اسامی آنها متعاقباً اعلام می شود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۷/۲۹).

فراخوان رشته های پزشکی، فنی و مهندسی و کشاورزی (فقط مرد) بار دیگر در ۱۳ آبان ۱۳۶۱ منتشر می شود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۸/۱۳) و نهایتاً اسامی داوطلبان پذیرفته شده شامل

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۷۳

۱۴ نفر در گروه پزشکی، ۱۰ نفر در گروه فنی و مهندسی، ۷ نفر در گروه علوم پایه و ۸ نفر در گروه کشاورزی اعلام می‌شود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۸/۲۰). در اطلاعیه بعدی شرط معدل داوطلبان از ۳ به ۲.۵ کاهش پیدا می‌کند و فراخوان گروه‌های پزشکی، فنی و مهندسی و کشاورزی تکرار می‌شود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۸/۲۲).

سرانجام ۲۹ آبان ۱۳۶۱ مدرسه تربیت مدرس «طی مراسمی در محل دانشکده سابق حقوق دانشگاه ملی گشایش یافت» که در این مراسم نجفی، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، علی شریعتمداری، احمد احمدی، عبدالکریم سروش و عزیزالله خوشوقت حضور داشتند. نجفی در این مراسم

ضمن تأکید بر اهمیت تأسیس مدرسه تربیت مدرس... اظهار امیدواری کرد که با استفاده از شیوه‌های اسلامی در این مدرسه اساتیدی تربیت شوند که ضمن داشتن اخلاق و تفکر اسلامی، بیش از پیش با نیازهای واقعی بنیادین جامعه و به ویژه نیازهای طبقه محروم آشنا شده و در خدمت مستضعفین قرار گیرند.

علی شریعتمداری نیز در سخنان خود «در رابطه با لزوم استفاده از شیوه‌های آموزشی حوزه‌های علمیه در دانشگاه‌ها گفت: انتظار ما این است که آنچه در حوزه‌های علمیه در زمینه تقوایی، علم‌دوستی و مجاهده با نفس صورت می‌گیرد، در مدرسه تربیت مدرس نیز حاکم باشد». ثنائی، نخستین رئیس مدرسه تربیت مدرس، اعلام کرد: «از فردا (۳۰ آبان ۱۳۶۱) نخستین دوره آموزش تربیت مدرس با شرکت ۱۰۶ دانشجو در ۱۰ رشته آغاز به کار می‌کند» (اطلاعات، ۱۳۶۱/۸/۳۰). با این حال، روزنامه اطلاعات خبر از افتتاح اولین دوره علوم تجربی (پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی و علوم پایه) در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۲ به مناسبت روز پاسدار در محل فعلی دانشگاه تربیت مدرس داده است (اطلاعات، ۱۳۶۲/۲/۲۲).

به نظر می‌رسد درباره نحوه فعالیت مدرسه تربیت مدرس تا مدتی ابهام وجود داشته است. در حالی که ابتدا اعلام شده بود دانشجویان بعد از گذراندن ۱۸ هفته آموزش عمومی، برای گذراندن دوره‌های تخصصی به دانشگاه‌های مجری معرفی خواهند شد» (اطلاعات، ۱۳۶۱/۸/۳۰)، اندکی بعد گفته شد به مجلس پیشنهاد شده است که مدرسه تربیت مدرس مقطعی از مقاطع تحصیلی در دانشگاه تربیت معلم باشد و «فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی ارشد پس از قبول شدن در گزینش مدرسه و گذراندن سایر دروس تعیین شده برای این مدرسه، جزو فارغ‌التحصیلان مدرسه تربیت مدرس محسوب» شوند (اطلاعات، ۱۳۶۲/۱۰/۲۷).

در هر صورت، نخستین فارغ‌التحصیلی دوره کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۴ بوده است و در سال ۱۳۶۵ با تغییر اساسنامه مدرسه به دانشگاه تربیت مدرس تبدیل می‌شود (سایت دانشگاه تربیت مدرس).

۶.۳ دانشگاه آزاد اسلامی

کمبود استاد، تعطیلی دانشگاه‌ها و ملاک‌های اختصاصی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های تازه تأسیس انقلاب فرهنگی نیاز جامعه و داوطلبان را پاسخ نمی‌گفت. به‌رغم مهاجرت برخی از داوطلبان به کشورهای دیگر برای ادامه تحصیل و اعزام تعدادی از جوانان به جبهه‌های جنگ، داوطلبان زیادی پشت درهای بسته دانشگاه‌ها منتظر تغییر شرایط بودند. هاشمی‌رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ گفت:

این ننگ مسلمان‌هاست که بچه‌های ما برای تحصیل به آمریکا و اروپا می‌روند. اگر تبلور کرامت خداوند در علم انسان است آیا ما باید بپذیریم که ۱۰ سال دیگر بچه‌های ما برای تحصیل به آمریکا بروند؟ اگر این چنین باشد پس ما مسلمان نیستیم... اگر امروز امکانات ما کافی نیست که هر کسی که طالب تحصیلات عالی است بتواند به دانشگاه برود، فکر کنیم که هیچ طالب علمی از تحصیل محروم نشود. یکی از طرق آن هم این است که از همین امسال در هر نقطه مراکزی درست کنیم به نام دانشگاه آزاد، دانشگاه واقعی نه مانند رژیم گذشته، که مواد تحصیلی را به سبک حوزه علمی بخوانند. در مراکز استان‌ها جاهائی را در نظر بگیریم و کسانی را که صلاحیت‌های فکری دارند بپذیریم. وارد آنجا که شدند در کلاس‌هایی آنها را تقسیم کنیم و فقط آزمون برای تعیین صلاحیت آنها بگذاریم و مدرک دیپلم و غیره مد نظر نباشد. هرکس می‌خواهد بیاید و شرکت کند و هزینه‌های آن را هم از محل وجوه خیریه می‌شود تأمین کرد (اطلاعات، ۱۳۶۱/۳/۱).

به دنبال این پیشنهاد، جهاد دانشگاهی و انجمن‌های اسلامی برخی دانشگاه‌ها از این طرح پشتیبانی کردند (اطلاعات، ۳، ۵ و ۱۳۶۱/۳/۲۵) و وزیر فرهنگ و آموزش عالی نیز در پیامی «برای همه‌گونه همکاری و مشارکت» درباره طرح ایجاد دانشگاه‌های آزاد اعلام آمادگی کرد. وی پیشنهاد هاشمی را «نقطه شروعی برای فعالیت و مشارکت مستقیم روحانیون، دانشگاهیان و امت شهیدپرور ایران در رفع نابسامانی‌های آموزش عالی» می‌خواند (اطلاعات، ۱۳۶۱/۳/۵). مدتی بعد، امام دانشگاه آزاد را راهی برای جلوگیری از خروج جوانان از کشور برای ادامه تحصیل می‌خواند و تأکید می‌کند این دانشگاه باید «مردمی» شود (اطلاعات، ۱۳۶۲/۸/۲۵).

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۷۵

در همین ماه نخستین اساسنامه دانشگاه در ستاد انقلاب فرهنگی به تصویب رسید (وبسایت دانشگاه آزاد اسلامی).

نخستین واحد دانشگاه آزاد اسلامی با نام تهران مرکزی در ۱۰ مرداد ۱۳۶۱ تشکیل و نخستین واحد شهرستانی هم در تبریز در ۲۳ آبان ۱۳۶۱ راه اندازی شد (سایت دانشگاه آزاد اسلامی). در فرم اولیه همکاری با دانشگاه آزاد اسلامی، این نهاد به عنوان «نهادی جدید برای تعمیم تخصص به توده‌های مسلمان ایران» (اطلاعات، ۱۳۶۱/۶/۱۸) و در گزارشی دیگر به عنوان «یک مرکز بسیج علمی و یک سیستم هماهنگ کننده جهت بهره‌وری بیشتر از امکانات علمی و آموزشی و فنی موجود و جذب نیروها و امکانات پراکنده کشور» معرفی شده است (اطلاعات، ۱۳۶۱/۱۰/۹). جالب آنکه در تبلیغات اولیه این دانشگاه خود را دارای «ویژگی‌های منحصر به فرد» می‌خواند و هیچ محدودیتی برای داوطلبان به جز شرط «نداشتن انحرافات اخلاقی و اعتیادات مضره و نیز انحرافات سیاسی» مطرح نمی‌کند. همچنین اعلام می‌شود: «از دانشجویان شهریه تحصیلی دریافت نمی‌شود» (اطلاعات، ۱۳۶۱/۱۰/۲۶). نخستین آزمون ورودی دانشگاه در ۲۰ اسفند ۱۳۶۱ مجزا از دیگر آزمون‌ها و در هشت شهر برگزار می‌شود (اطلاعات، ۱۳۶۱/۱۲/۱۹).

هرچند انتظاری می‌گوید این دانشگاه با پذیرش ۱۷ دانشجوی کاردانی و ۲۲۲ دانشجوی کارشناسی کار خود را آغاز کرده است (انتظاری، ۱۳۸۸: ۸۶)، اما از گزارش‌های خبری درمی‌یابیم دانشگاه آزاد اسلامی ۲ هزار و ۷۵۰ دانشجو پذیرفته و قرار است دوره‌های تک‌درس و دوره تحقیقاتی (دکتری) از مهر ۱۳۶۲ برگزار شود (اطلاعات، ۱۳۶۲/۶/۳). دوره‌های تک‌درس با تدریس کسانی چون جلال‌الدین فارسی، عبدالله جاسبی و همایون الهی ابتدا در تهران (اطلاعات، ۱۳۶۲/۱۱/۲۷) و سپس در تبریز (اطلاعات، ۱۳۶۲/۱۲/۳) آغاز می‌شود و جاسبی خبر از پذیرش دانشجو برای دوره تحقیقات عالی (دکتری) می‌دهد (اطلاعات، ۱۳۶۳/۳/۲۱). البته قرار می‌شود دوره دکتری در رشته‌های علوم انسانی در اولویت کار دانشگاه باشد (اطلاعات، ۱۳۶۳/۹/۴) و در گام بعدی رشته پزشکی پذیرش دانشجو کند (اطلاعات، ۱۳۶۳/۶/۱۱).

گزارش‌های روزنامه اطلاعات، چهره این دانشگاه را از دیگر مراکز تأسیس شده دانشگاهی بعد از انقلاب متفاوت می‌سازد؛ هر چند در نام دانشگاه عنوان «اسلامی» آمده است در شرایط گزینش دانشجو معیارهای گزینشی و اخلاقی و مواد امتحانی اسلامی در اولویت نیست؛ منابع مالی دانشگاه مردمی است؛ آموزش‌ها محدود به هدفی خاص و ایدئولوژیک نیست، بلکه

پذیرش دانشجو به تعداد زیاد و کاهش مطالبه کمبود صندلی دانشگاه است؛ و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در راستای اسلامی سازی مانع توسعه دانشگاه نمی شود. شاید این ویژگی ها را بتوان به طور خلاصه در دو عامل ترکیب ساختار مدیریتی دانشگاه و پراکندگی شعبه های آن دانست.

۷.۳ دانشگاه صنعتی امام محمد باقر

در میان دانشگاه های تازه تأسیس بعد از انقلاب اسلامی نام دانشگاه صنعتی امام باقر (ع) نخستین بار ۲۲ مرداد ۱۳۶۳ به چشم می خورد: «نمایشگاهی از ۲۰ طرح تحقیقاتی جهاد دانشگاهی از روز چهارشنبه هفته گذشته توسط جهاد دانشگاهی دانشکده برق دانشگاه صنعتی امام باقر (ع) تشکیل شد» (اطلاعات، ۱۳۶۳/۵/۲۲). بار دیگر نیز نام این دانشگاه همراه با جهاد دانشگاهی در قالب اطلاعیه ای به این شرح دیده می شود:

بدین وسیله به اطلاع کلیه ارگان ها و نهادها و دانشگاه ها و وزارتخانه ها کتابخانه ها و شرکت های مشاور سراسر کشور می رساند که تجزیه و تحلیل اطلاعات و آمار ایستگاه های باران سنجی ثبات ۳۴ ایستگاه سازمان هواشناسی کشور در یک جلد از طرف جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امام باقر (ع) تهیه شده قابل عرضه می باشد (اطلاعات، ۱۳۶۳/۷/۲۶)

و سرانجام در گزارشی با تیتیر «گرامی داشت سالروز ولادت امام محمد باقر (ع) در دانشکده برق دانشگاه صنعتی امام محمد باقر (ع)» تنها گفته می شود؛ بطحائی سرپرست و سید ابوالفضل موسوی تبریزی نماینده آیت الله منتظری در این دانشگاه بوده اند و «ادامه تحصیل دانشجویان تا سطح کارشناسی ارشد» امکان پذیر بوده است (اطلاعات، ۱۳۶۳/۸/۶). این روایت ناقص از تنها دانشگاه صنعتی تأسیس شده در دوران انقلاب فرهنگی است.

۸.۳ دانشگاه بین المللی اسلامی

موضوع تأسیس یک دانشگاه بین المللی اسلامی با طرح لایحه ای در مجلس به تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۶۲ آغاز می شود (اطلاعات، ۱۳۶۲/۲/۶). این ایده در مجلس موافقان و مخالفانی داشت؛ مخالفان به مشکلاتی چون وجود متقاضیان داخلی، کمبود بودجه، طولانی بودن فرآیند احداث دانشگاه و دست نیافتن به هدف صدور انقلاب در اسرع وقت اشاره می کنند و

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۷۷

موافقان آن را «مقدمه آرزوی» داشتن یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی خواندند. وزیر فرهنگ هم بیان کرد:

انگیزه‌های اصلی تهیه یک چنین طرحی ابتدا مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است و یک مقداری هم مسائل و برخوردهای اجرائی این انگیزه را در ما مطرح کرده است. از جمله تقاضای عده زیادی از کشورها به خصوص کشورهای عربی و آفریقایی مبنی بر تحصیل در جمهوری اسلامی ایران که متأسفانه دانشگاه‌های فعلی ما امکان پذیرش آنها را به تعداد زیاد ندارد. و نیز عده‌ای از اساتید دانشگاه‌ها حتی اساتید غیرمسلمان، تقاضای تدریس در دانشگاه‌های ایران را داشتند... در مورد ایراداتی که برخی از برادران می‌گرفتند، یکی کمبود استاد بود که ما هم یک چنین کمبودی را قبول داریم و مقدار زیادی از این کمبود را می‌توانیم با اساتید خارجی که در حال حاضر آماده‌اند که به ایران بیایند، جبران کنیم.

در ادامه، لایحه تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران به تصویب رسید.

با تصویب قانون دانشگاه در ۱۹ دی ۱۳۶۲، فعالیت آموزشی آن با عنوان دانشگاه بین‌المللی اسلامی آغاز شد و در سال ۱۳۷۰ پس از ادغام مجتمع آموزش عالی دهخدا در آن به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت (وبسایت دانشگاه بین‌المللی امام خمینی).

۴. ایده‌های مبهم

در اواسط سال ۱۳۶۳ خبر دیدار هیات امنای جامعه الامام صادق با آیت‌الله منتظری منتشر شد که در این دیدار

مسئله پیگیری پیشنهاد اخیر حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری در مورد اقدام دانشگاه‌های ایران نسبت به تشکیل کلاس‌های معارف اسلامی برای برادران فلسطینی هم‌زمان با اجرای طرح اخراج اسرائیل غاصب از سازمان ملل که از طرف جمهوری اسلامی ایران تعقیب می‌شود، مطرح شد و مذاکراتی پیرامون مشکلات موجود و کیفیت شروع این کار توسط دانشگاه امام صادق با تأسیس دانشکده‌ای به نام قدس که زیر نظر جامعه الامام صادق کارکند، به عمل آمد (اطلاعات، ۱۳۶۳/۷/۲۱).

یک‌روز بعد، مهدوی‌کنی گفت:

در دیدار اخیر با حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری ایشان پیشنهاد فرمودند ترتیبی داده شود یک دانشگاهی نیز تحت عنوان دانشگاه قدس در یکی از ممالک اسلامی عربی تأسیس شود که این دانشگاه منبع و مرکز دانشجویانی باشد که برای آزادی قدس جهاد می‌کنند (اطلاعات، ۱۳۶۳/۷/۲۲).

از طرف سفیر فلسطین در تهران نیز در تلگرامی از طرح تأسیس دانشگاه قدس استقبال و گفته شد که فرزندان فلسطین «با سپاس و ستایش دعوت شما را به گشایش دانشگاه‌ها و دانشکده‌های نظامی برای فلسطینیان دریافت نمودند» (اطلاعات، ۱۳۶۳/۷/۲۴).

به این ترتیب، ایده‌ای مبهم از تشکیل دانشکده‌ای در دانشگاه امام صادق تا احداث دانشگاه در یکی از کشورهای عربی و گشایش دانشگاه نظامی برای فلسطینیان با نام دانشگاه قدس دیده می‌شود که بررسی سرانجام آن و ریشه‌های آن در دانشگاه‌های کنونی کشور نیازمند مطالعه‌ای جداگانه است.

در ذیل، جمع‌بندی مباحث در قالب یک جدول آمده است.

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۷۹

نام مرکز آموزش عالی	تاریخ انتشار اولین خبر	هدف و انگیزه تاسیس	نحوه پذیرش دانشجویان	منابع مالی	نخستین مدیر	تاریخ اولین پذیرش	مکان	شیوه مدیریت	توضیحات
مدرسه عالی علوم قضایی و تربیتی قم	دی ۱۳۵۸	تربیت قاضی مورد تأیید نظام جدید	آزمون اختصاصی	غیرانتفاعی	مهدی قاضی	۱۳۶۱	قم	شورای سرپرستی وزارت دادگستری و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	تبدیل به دانشگاه قم در ۳۱ خرداد ۱۳۷۶
دانشگاه اهل سنت	اردیبهشت ۱۳۵۹	پاسداری از جمهوری اسلامی				-	کردستان / بلوچستان / ترکمن صحرا	حوزه علمیه قم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و روحانیون اهل تسنن	تبدیل ایده به دانشگاه مذاهب اسلامی در سال ۱۳۷۱
دانشگاه امام صادق (ع)	تیر ۱۳۵۹	ترویج اسلام در جهان و تربیت نیروهای مسئول	آزمون اختصاصی	غیرانتفاعی	آیت‌الله مهدوی‌کنی	۱۳۶۱	تهران	هیئت امناء به ریاست آیت‌الله منتظری	تلاش برای ترکیب حوزه و دانشگاه
دانشگاه علوم اسلامی رضوی	شهریور ۱۳۵۹	نشر معارف اسلامی و احیای حوزه	آزمون اختصاصی	غیرانتفاعی (آستان قدس رضوی)	آیت‌الله واعظ طبسی	۱۳۶۳	مشهد	هیئت امنا به ریاست آیت‌الله واعظ طبسی	تلاش برای ترکیب حوزه و دانشگاه
دانشگاه تربیت مدرس	اسفند ۱۳۶۰	تربیت مدرس برای دانشگاه‌ها	آزمون اختصاصی	دولتی	سنائی	۱۳۶۱	تهران	هیئت امناء زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی	تبدیل مدرسه به دانشگاه در سال ۱۳۶۵
دانشگاه آزاد اسلامی	خرداد ۱۳۶۱	تعمیم تخصص به توده‌ها و جلوگیری از خروج جوانان از کشور	آزمون اختصاصی	غیرانتفاعی	عبدالله جاسبی	۱۳۶۲	تهران و هفت شهر	هیئت امناء به ریاست آیت‌الله هاشمی رفسنجانی	برداشتن ممنوعیت سن و شرایط دیگر دانشگاه‌ها
دانشگاه صنعتی امام محمد باقر	مرداد ۱۳۶۳				بطحائی				تمرکز بر رشته‌های فنی و مهندسی
دانشگاه بین‌المللی اسلامی	اردیبهشت ۱۳۶۲	رفع تقاضای دانشجویان خارجی	آزمون سراسری	دولتی	محمد معروف مشاط	۱۳۶۲	قزوین	هیئت امناء زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی	تبدیل به دانشگاه بین‌المللی امام خمینی در سال ۱۳۷۰

۵. نتیجه گیری

این مطالعه یکی از پاسخ‌هایی است که می‌توان به پرسش کلی «پیامدهای آگاهانه انقلاب فرهنگی چه بود؟» ارائه کرد و تلاش کرده است روایت روزنامه‌اطلاعات را (در بازه زمانی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۲ بهمن ۱۳۶۳) درباره دانشگاه‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی تأسیس شده‌اند بیان کند.

این مطالعه، از رهگذر بازخوانی روزنامه یادشده، نشان می‌دهد که دوره انقلاب فرهنگی صرفاً دوران انحلال / ادغام دانشگاه‌ها نبوده، بلکه دوره تأسیس دانشگاه‌های جدیدی بر اساس ایدئولوژی نظام انقلابی و همچنین خواسته‌ها و نیازهای روز جامعه بوده است. به عبارت دیگر، دانشگاه‌های تازه تأسیس پاسخی به یکی از نیازهای جامعه انقلابی بوده‌اند؛ تحصیل علم، خودسازی، بیکاری، فرار از سربازی، نیاز اقلیت‌ها (تحصیل علوم اهل سنت و تدریس به زبان مادری)، تربیت قاضی باصلاحیت، پرورش مدرس برای دانشگاه‌ها و تأمین کادر آموزش عالی، تبلیغ انقلاب و جمهوری اسلامی، تربیت مدیران نظام جدید در داخل و خارج، پرورش حوزویان به شکل دانشگاهی، پذیرش متقاضی به تعداد زیاد، تربیت مهندسان متعهد، آرزوی داشتن یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی و تأسیس دانشگاه در کشورهای اسلامی و ... بنابراین، راه‌اندازی این نهادهای جدید آموزش عالی هم خواست حاکمیت برای تثبیت قدرت سیاسی و هم به واسطه نیاز جامعه به تحصیل و پیشرفت بوده است. لذا می‌توان تأسیس این واحدهای جدید آموزش عالی را «عامدانه» و «آگاهانه» دانست.

جالب اینجاست که اغلب دانشگاه‌های تازه تأسیس اولویت را به رشته‌های علوم انسانی و حوزه نظری می‌دهند و نیاز جامعه به متخصصان فنی و پزشکی در چارچوب توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موجود دنبال شده است. در این میان، نباید تجربه دانشگاه آزاد اسلامی را دست کم گرفت. در واقع، هر چند نگاه ستاد انقلاب فرهنگی به نهاد دانشگاه، «اسلامی‌سازی» آن است اما در برابر مطالبه عمومی جامعه، دانشگاهی مجزا از سیستم آموزش عالی دولتی برای پاسخگویی به نیاز داوطلبان ورود به دانشگاه و زیر نظر مسئولان نظام تأسیس می‌شود که به سرعت هم گسترش می‌یابد. بر اساس مطالعات پیشین، دانشگاه‌های ایده‌آل ستاد انقلاب فرهنگی ترکیبی از سبک تحصیل حوزوی و تدریس دانشگاهی است و با همین دید تاریخ دانشگاه‌های امام صادق و تربیت مدرس برجسته می‌شود. با این حال، رشد و گسترش سریع دانشگاه آزاد اسلامی که نوعی پاسخگویی عملی به نیازهای جامعه در دوره انقلاب فرهنگی محسوب می‌شود، نکته مهمی است که نباید از آن غافل ماند.

از سوی دیگر، با توجه به کمبود بودجه، چالش‌های اداری نظام پسانقلابی، ایده‌های ستاد انقلاب فرهنگی و نگاه نخبگان سیاسی به دانشگاه‌های موجود، تعدادی از دانشگاه‌های تازه‌تاسیس از نظر مالی از سیستم دولتی جدا می‌شوند: دانشگاه امام صادق و مدرسه عالی علوم قضایی و تربیتی قم به شکل غیرانتفاعی، دانشگاه علوم رضوی وابسته به آستان قدس رضوی و دانشگاه آزاد اسلامی از منابع مردمی تأمین می‌شوند.

نهایت آنکه، فقر علمی در ایران پس از انقلاب خود را در فراز و نشیب‌های تأسیس دانشگاه تربیت مدرس به روشنی نشان می‌دهد؛ مهاجرت، تبعید، پاکسازی و تصفیه استادان یکی از پیامدهای آشکار انقلاب فرهنگی بود که نتیجه چنین امری، تا حدودی، در شکست آزمون‌های ورودی دوره اول و دوم مدرسه تربیت مدرس به چشم می‌خورد. شاید بتوان این گونه گفت که ایدئال‌گرایی‌ها و تصفیه گسترده استادان و دانشجویان، جامعه را با کمبود استاد و خلاء علمی مواجه کرد و واقعیت‌های جامعه نظیر تبعات انقلاب و شرایط جنگی آرمان‌های نخستین ستاد انقلاب فرهنگی را به حداقل‌های ممکن تقلیل داد. وقفه در شروع به کار دانشگاه تربیت مدرس، موج گسترده اقبال به دانشگاه آزاد اسلامی، سخت‌گیری در پذیرش دانشجویان و انعطاف در جذب استادان دانشگاه امام صادق، ابهام در ایده تأسیس دانشگاه اسلامی و گم شدن آرزوی تأسیس دانشگاهی در کشورهای اسلامی دیگر نمونه‌هایی از غلبه واقعیت بر رؤیاهای انقلابیون است که پایه‌گذار تحولات بعدی آموزش عالی ایران در سال‌های بعد می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله دانشگاه‌های نیروهای نظامی اعم از زمینی، دریائی و هوائی، مدارس عالی پرستاری و حفاظت و بهداشت کار، و دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، مدرسه عالی شهید هاشمی‌نژاد و هم‌چنین مراکز آموزش وزارت امور خارجه و آموزش هنر وزارت ارشاد که اغلب ادامه ایده‌های پیش از انقلاب بوده‌اند.

۲. اختلاف نظر درباره علم دینی، اسلامی‌سازی / بومی‌سازی علوم و ... از همان ابتدا وجود داشت و همچنان هم ادامه دارد. اهمیت این موضوع اقتضا می‌کند که در مجالی دیگر و به تفصیل بررسی و تحلیل شود، هرچند کافی است اشاره شود تاکنون صدها کتاب، مقاله و پایان‌نامه در این زمینه تدوین شده است که از آن جمله می‌توان به آثار عطا حشمتی، علیرضا شجاعی‌زند، حسین سوزنچی و علی پایا اشاره کرد.

۳. اعتصابات سراسری از ۱۴ آبان ۱۳۵۷ آغاز شد و به طور مثال در میان مطبوعات تا ۱۵ دی ادامه یافت.

۴. برای رفع ابهام به تاریخچه دانشگاه‌ها در سایت‌های رسمی آنها نیز رجوع شده است.

کتاب‌نامه

- آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی ۱۳۵۶-۱۳۵۷ (۱۳۵۸)، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش عالی، نشریه شماره ۶۴.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۸)، *شصت سال آموزش عالی تحقیقات و فناوری در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- بذرافشان، مجتبی (مصاحبه)، *خبرگزاری ایسنا*، ۱۳۹۱/۱۲/۱۰.
- خواججه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۵)، *خاطرات آیت‌الله مهدوی‌کنی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رضایی، محمد؛ کاظمی، عباس؛ طاهری‌کیا، حامد (۱۳۹۶)، «چهار روز از حیات دانشگاه پس از انقلاب: ۳۰ فروردین تا ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۱۰، شماره ۱. روزنامه اطلاعات، شماره‌های مختلف، ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳.
- روند شکل‌گیری دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۷۰)، تهران: انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- شرف‌زاده‌برد، محمد (۱۳۸۳)، *انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- صفارزاده، جلال (۱۳۹۷)، *تاریخچه دانشگاه‌ها در ایران*، تهران: پارس کتاب.
- طاهری‌کیا، حامد (۱۳۹۶)، *چگونگی شکل‌گیری سوژه‌های سیاسی در دانشگاه (بررسی موردی دانشگاه امیرکبیر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران)*، رساله دکتری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فهرست مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی (بی‌تا)، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، *سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران*، تهران: رسا.
- گلکار، سعید (۱۳۸۷)، *بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب*، ۱۳۵۷-۱۳۸۴، رساله دکتری، گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- هوشمند، احسان (دی ۱۴۰۰)، «انقلاب فرهنگی در ایران بررسی چگونگی و فرآیند وقوع پدید انقلاب فرهنگی»، *فصلنامه چشم‌انداز ایران: ویژه‌نامه دانشگاه در تعلیق*.

پیامدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۸۳

وبسایت دانشگاه آزاد اسلامی، بخش تاریخچه: <https://b2n.ir/y08561>

وبسایت دانشگاه ادیان و مذاهب، بخش تاریخچه: <https://b2n.ir/e96238>

وبسایت دانشگاه امام صادق، بخش دانشگاه در یک نگاه: <https://b2n.ir/q78642>

وبسایت دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، بخش معرفی: <http://www.ikiu.ac.ir/fa/page-view.php?pid=416>

وبسایت دانشگاه تربیت مدرس، بخش تاریخچه: <https://b2n.ir/u57378>

وبسایت دانشگاه علوم اسلامی رضوی، بخش مقدمه: <https://b2n.ir/y14826>

وبسایت دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری: <https://b2n.ir/t24661>

وبسایت دانشگاه قم، بخش تاسیس: <https://b2n.ir/a53047>

وبسایت شورای عالی انقلاب فرهنگی: <https://sccr.ir>

وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس: <https://rc.majlis.ir/fa/law/>

Mojab, S. (1991), *The State and University: The "Islamic Cultural Revolution" in the Institutions of Higher Education of Iran, 1980-87*. PHD diss. University of Illinois.

Tarbiat Modarres University (2002), Tehran: TMU Press.